



استعانت بکس

صبر و نماز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خاصیت سیر و سیراب کردن بخشیده است پیامبران را فرستاده و به آن خود به آن‌ها خاصیت هدایت کردن را بخشیده است.

■ جواب یک سؤال

اگر تنها باید از خدا کمک خواست پس چرا به آدمیان فرمود: *تعاونوا علی البر و التقوی*؟^(۱) همدیگر را بر نیکی و تقوا کمک کنید. یعنی دیگران نیز می‌توانند به انسان کمک کنند در جواب می‌گوییم: به مقتضای توحید افعالی همه کارهای نیک نیکوکاران از آن خداست و همه فاعل‌ها از درجات و شئون فعالیت خدای سبحان هستند یعنی خدا انسان‌های مددکار را آفریده و به او توان امداد و گره‌گشایی را اعطا کرده است.

در حقیقت او آیت خداست و این کارها همه از اوصاف فعلی خداست که از مقام فعل او انتزاع می‌شود و زاید بر ذات اوست از این رو استعانت از هر چیزی استعانت از فیض خداست نه غیر آن و هیچ معینی در اعانت خود مستقل نیست. یا توجه به این حقیقت است که تعاون و استعانت و اعانت از دیگران منافات با حصر استعانت از خدا ندارد.

زیرا انسان به لحاظ وجودی وابسته و ربط محض به خداست و هیچ سهمی از استقلال ندارد. از این رو در همه شئون و ابعاد وجودی خود نیازمند به خدا است و خدا باید نیاز او را برطرف گرداند. قرآن کریم می‌فرماید: *یا ایها الناس اتمموا القرءاء الی الله و الله هو الغنی الحمید*؛^(۲) ای مردم شما همگی نیازمند به خدایتید تنها خداوند است که بی‌نیاز و شایسته هرگونه حمد و ستایش است. و چون خدا بی‌نیاز مطلق است آدمی در حال نماز به او اعلام می‌دارد که ما فقط از تو استعانت می‌طلبیم.

چنانکه فقط تو را عبادت می‌کنیم *ایاک نعبد و ایاک نستعین* راز این که فقط باید از خدا استعانت کرد آن است که هرچه برای رفع نیاز مورد استفاده قرار می‌گیرد همه و همه از شئون فعالیت خدای سبحان و از سربازان آماده الهی است که هر یک در نظام آفرینش مأمور کاری هستند.

انسان موخت، خالق، هادی، مطعم، ساقی و شفا دهنده را خدای سبحان می‌داند. البته خدا از راه اسبابی خاص فاعل این امور است و مسبب الاسباب نیز خود اوست. یعنی خدا همان طور که غنا و آب را آفریده و به آن

■ مقدمه

انسان موجودی فقیر و نیازمند آفریده شده است و هر فقری نیازمند به کمک است تا از راه کمک خواهی از دیگران و کمک کردن دیگران به او، نیازهایش را برطرف سازد، همین نیاز انسان‌ها به یکدیگر است که آنها را به هم پیوند می‌دهد و این پیوند موجب می‌شود تا هر فردی به میزان توان خود نیاز طرف دیگر را برطرف کند، خواه این نیاز مادی باشد مانند تأمین خوراک و پوشاک و مسکن و... خواه معنوی باشد، مانند نیاز به علم و...

■ نیاز مقید و مطلق

البته نیاز انسان به انسان‌های دیگر نیاز مقید و محدود است یعنی هر انسان در هر بعدی از ابعاد وجودی خود و یا شأنی از شئون که نیازمند است به فردی احتیاج دارد که در آن بعد بتواند نیازش را برطرف سازد.

از باب مثال: انسانی که می‌خواهد خانه‌ای بسازد به دلیل این که خود بنایی نمی‌داند به بنا نیازمند است و یا چون جاهل است به عالمی نیازمند است تا نیاز او را به علم برطرف سازد. اما نوعی نیاز نیز وجود دارد که مطلق است و آن نیاز انسان به خداست.

■ استعانت راستین و دروغین

راه آزمودن استعانت راستین آن است که انسان همه شئون هستی خود را محاسبه کند، اگر در هیچ شأنی از شئون خود به غیر خدا تکیه نکرد او در نماز صادقانه می‌گوید: «ایاک نعبد و ایاک نستعین» اما اگر در هر پیش آمد و رخداد حادثه‌ای به غیر خدا نظر دارد و اگر پس از ناسپد شدن از اسباب عادی به سوی خدا می‌رود او صادقانه خدا را کمک کننده خود نمی‌داند. از باب مثال اگر کسی در صورت رخدادن حادثه‌ای اولین پناهگاهش را خدا می‌داند صادق است و اما اگر غیر خدا مانند قدرت خود یا قبیله راه در ادعای استعانت از خدا کاذب است.

به طور خلاصه می‌توان گفت: با توجه به نیازمندی مطلق انسان به خدا، اولاً: استعانت برای انسان لازم و کمال وجودی اوست و ثانیاً: متعلق استعانت همه شئون تکاملی اوست و ثالثاً: آن چه از انسان صادر می‌شود هر چند به صورت استعانت باشد همگی در تعمیم نصاب استعانت سهم دارد و رابعاً: مبدأ تقاضه هر فیضی خدای سبحان است که شریک و ظهیر و پشتیبان ندارد و خامساً: هرچا سخن از اعانت صادق و تعاون حق است در واقع آن معین مظهیری از مظاهر اعانت خداست.

■ استعانت از صبر و نماز از برنامه‌های مؤمنان

خدای سبحان در قرآن خطاب به مؤمنان فرمود: «یا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصبر و الصلوة ان الله مع الصابرين»^(۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به صبر و نماز استعانت کنید. زیرا خدا با صابران است.

در این آیه به مؤمنان می‌گوید: برای موفقیت و پیروزی از دو نیروی صبر و نماز کمک بگیرید زیرا انسانی که در برابر حوادث گوناگون قرار بگیرد، در صورتی می‌تواند در برابر آن حوادث ایستادگی کند و از پا در نیاید که اولاً از قدرت صبر و پایدردی و استقامت و پایداری استعانت کند و ثانیاً به تکیه‌گاهی تکیه کند که از هر جهت نامحدود و بی‌انتهای باشد و نماز وسیله‌ای است که او را با چنین سبب‌ی مربوط می‌سازد از این راه می‌تواند با روحی مطمئن و آرام امواج سهمگین مشکلات را درهم بشکند.

آیه فوق در واقع انسان مؤمن را به دو اصل سفارش می‌کند یکی اتکا به نفس و خود یاری که از آن به صبر یاد شده است و دیگری اتکای به خداوند که نماز مظهر آن است.

■ راز ذکر صبر با نماز

در قرآن کریم هنگام طرح امور بسیار مهم و برای ورود در آن مقدمه‌ای ذکر می‌شود. بر خلاف امور عادی که بیان آن‌ها بدون ذکر مقدمه است. نبرد با دشمن داخلی یا خارجی و مقاومت و پیروزی یا شهادت در آن نیز از امور مهم اسلامی است از این رو در آیه مورد اشاره که در آغاز به عنوان مقدمه عظمت صبر را بیان می‌کند زیرا از عوامل مؤثر در پیشبرد جنگ صبر و بردباری از یکسو و تقرب و عروج به طرف ملکوت از سوی دیگر است.

با توجه به این که چهره دین باید در همه مظاهر تجلی کند و هیچ امر دینی از نماز جدا نیست و صبر و مقاومت بدون نماز راه بجایی نمی‌برد، صبر و نماز را در کنار هم ذکر کرده و آن دو وسیله کمک رسانی خدای متعال است.

■ شرط تنزل نصرت الهی

خدای سبحان در آیه به مؤمنان استعانت به صبر و نماز می‌دهد، با این که نصر و کمک فقط نزد خداست «و ما النصر الا من عند الله»^(۴) پیروزی و نصرت فقط از نزد خداست معین و مستعان تنها خدای متعال است.

با توجه به انحصار نصر و پیروزی از نزد خدا، چرا به مؤمنان دستور می‌دهد از صبر و نماز استعانت بجوئید؟

در جواب می‌گوییم: اگرچه نصرت و یاری در نزد خداست لیکن یاری فرستادن خدا مشروط است نه مطلق. از این رو فرمود: «ان تنصروا الله ینصرکم»^(۵) اگر خدا را یاری کنید خدا شما را یاری می‌کند. از این رو خدای سبحان عذای را که از یاد خدا اعراض و به خود اکتفا کرده‌اند مخذول می‌کند «فلاناصرلهم»^(۶) در آیه محل بحث با امر به استعانت به وسیله صبر و نماز به شرط تنزل نصرت الهی اشاره می‌کند یعنی آن که خواهان بهره‌مندی از رحمت و نصر الهی است باید صابر و نماز گزار باشد و دین خدا را یاری کند.

■ استعانت به صبر و نماز نه از صبر و نماز

سؤالی در اینجا مطرح می‌شود که چرا در این آیه خداوند به مؤمنان دستور می‌دهد به صبر و نماز استعانت کنید نه از صبر و نماز. در جواب می‌گوییم: صبر و نماز وسیله قابلی هستند نه معین و مستعان فاعلی چنان چه تقوا و جهاد و مانند آن وسیله است، صبر و نماز نیز وسیله یاری خواستن از خدا است.

و به عبارت دیگر: صبر و نماز مبدأ فاعلی

مدرسائی نیستند زیرا مبدأ فاعلی مدرسائی خدای سبحان است و صبر و نماز متمم قابلیت قابل است و قابل را برای تنزل فیض خدا آماده می‌کند یعنی این گونه وسیله قابلی است و خدا کمک کننده فاعلی است.

قرآن کریم این معنا را که در صبر نیز باید به خدا استعانت داشت از گفته موسی کلیم فرمود: «قال موسی لقرمه استعینوا بالله و اصبروا»^(۷) موسی به قومش گفت: به خدا استعانت کنید و صابر باشید. وعده‌ای در برابر استعانت صبر به بنی اسرائیل داده است که «ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده و العاقبة للمتین»^(۸) خدای سبحان زمین را به هرکس از بندگانش که بخواهد به ارث می‌دهد و سرانجام از آن پرهیزگاران است.

نصیب بنی اسرائیل از این استعانت و صبر، فرجام نیکو و تحقق وعده تخلف‌ناپذیر الهی درباره آنان خواهد بود.

ناگفته نماند که صبر یک کمال وجودی است و همه کمال‌های نظام هستی از خدای نظام بخش است صبر را نیز خدا باید به انسان اعطا کند یعنی تنها فاعلی که این کمال را به انسان می‌بخشد خدای سبحان است.

نکته اساسی در لزوم استعانت به نماز این است که نماز نه تنها عمود دین است بلکه ستون استقرار، استقلال، آزادی و حیات بر این جامعه است.

■ تفاوت صبر و نماز

دستور استعانت به صبر و نماز در آیه مورد بحث، همچنین در آیه ۴۵ سوره بقره نیز آمده است، در آن جا فرمود: «استعینوا بالصبر و الصلوة و انهما لکبیرة الا علی الخاشعین» به صبر و نماز استعانت بجوئید که به راستی نماز کاری بس سنگین و گران است مگر بر فروتنان سؤالی که در اینجا مطرح است این است با این که در هر دو آیه صبر و نماز با هم ذکر شده است در آیه (۴۵) نماز مهمتر از صبر تلقی شده است در حالی که در آیه ۱۵۲ صبر مهمتر از نماز تلقی شده است.

راز این تفاوت بر می‌گردد به تفاوت در مورد صبر و نماز در دو آیه. در آیه ۴۵ به لحاظ این که مسئله عبادت مطرح است اهمیت را به نماز می‌دهد ولی در آیه ۱۵۲ به لحاظ مسئله جنگ و نبرد و تحمل رنج‌های مبارزه و لزوم پایداری و پرهیز از عقب نشینی مطرح است به بیان صبر اهتمام ورزیده است.

و فرمود: خدا با صابران است با این که خدای سبحان با نمازگزاران نیز هست و نماز نیز

در حال مشکیلات جنگ و پیشبرد آن تأثیر
سزایی دارد.

■ رابطه صبر و نماز

در مبارزه با هوس و رهایی از ردایل درونی و پایداری و پیروزی در برابر دشمن بیرونی، صبر و نماز هر دو سهم دارند و یکدیگر را کمک می‌کنند به این صورت که جزء و بی‌تابی که در برابر صبر و استقامت است به وسیله نماز برطرف می‌شود از این جهت می‌توان گفت صبر محصول نماز است زیرا انسان گرچه بالفطره صبور است، نماز مانع حرص و بی‌تابی است و صبر را تشبیه و انسان بی‌تاب را صبور و شکیمیا می‌کند.

از سوی دیگر سهم صبر در تنافع از خصم و سهم در تهاجم بر دشمن آشکارتر است از این رو گفته‌اند نماز ستون دین است.

از سوی دیگر خود نماز نیز حاصل صبر است. زیرا طاعت که باید بر آن صبر کرد شامل نماز نیز هست و نمازگزار بر طاعت نماز صبر می‌کند و تا انسان صبر بر اطاعت نداشته باشد نماز نخواهد گزارد.

■ سنگینی و بزرگی نماز

خدای سبحان در آیه ۴۵ نماز را به بزرگی و عظمت یاد می‌کند.

این تعبیر بیان گر اهمیت و عظمت ذاتی نماز است. بنابراین، اگرچه حمل آن میسر خاشعان است لیکن بر آنان نیز سنگین و عظیم است. از این رو امامان معصوم (ع) هنگام نماز وادای این امانت سنگین الهی با چهره زرد و تپش پهلوها نماز می‌گزارند چنان که درباره امام حسن (ع) گفته شده است: «کان اذا اقام فی صلاته ترتعد فرائضه بین یدیه ریه» (۱) وقتی برای نماز می‌ایستاد پهلوهایش در برابر خدا دچار تپش و لرزش می‌شد.

■ ملاک مقبولیت نماز

قرآن کریم نماز را با یادآورنده انسان از فحشا و منکر معرفی می‌کند و می‌فرماید: «واقم الصلوة ان الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنکر» (۱۰) نماز را به پا دارید که نماز انسان را از فحشاء و منکر باز می‌دارد.

بر طبق این آیه خداوند تشخیص قبولی یا عدم قبولی نماز را به قیامت واگذار نکرده است، پیش از قیامت نیز می‌توان پذیرش یا عدم پذیرش نماز را تشخیص داد و نسبت به آن اطمینان پیدا کرد. چنانچه امام صادق (ع) فرمود: «من احب ان يعلم اقبلت صلاته لم

يقبل فلينظر هل منعه صلاته عن الفحشاء و المنکر بقدر ما منعه قبلت منه» (۱۱) هر کس در پی آگاهی از قبول یا عدم قبول نماز خویش است بنگرد آیا نماز او را از گناه باز می‌دارد یا نه، قدر مقبول از نماز به میزان مانعیت آن از ارتکاب گناه است.

قبول نشدن نماز برای غفلت زدگان در قیامت روشن می‌شود، لیکن اهل مراقبت و محاسبه یا توجه به ملاک یاد شده، با احساس اندک گزاشی به زشتی، عدم مقبولیت نماز خویش را درمی‌یابند و آن را جبران می‌کنند. بر این اساس انسان باید، آثار عبادت را در خود بیابد و چنانچه اثر مثبت آن را در خود نیافت بداند مؤثر نبوده و قبول نشده است.

نماز فقط مجموعه حرکات و سکانات و عبادتی صوری نیست زیرا اگر نماز همین بود آن آثاری که باید داشته باشد نمی‌داشت و آدمی را از گناه باز نمی‌داشت، از این رو خدا از کسانی سخن می‌گوید که نماز آنان صوری است و آنان را از زشتی باز نمی‌دارد زیرا آنها از نماز خود غافلند و دل به غیر خدا داده‌اند، «فویل للمصلین، الذین عن صلاتهم ساهون» (۱۲) وای بر نمازگزاران که از نمازشان غافلند و بدان اهتمام نمی‌ورزند.

در این آیه سخن از تارکان نماز نیست بلکه از نمازگزارانی است که از نمازشان غافل اند و درباره آن نمی‌اندیشند.

■ اصلاح پیامدهای سوء طبیعی نماز

انسان دارای فطرتی توحیدی است و با آن خدا را می‌شناسد و او را می‌طلبد و طبیعتی دارد که بدن او از آن تنظیم شده است، خدای متعال آن فطرت را به خود و طبیعت را به کل نسبت می‌دهد.

طبیعت انسان که به طین بر می‌گردد و به حس نزدیکتر است، دارای پیامدهایی است: «ان الانسان خلق هلوعا اذا مسه الشر جزوعا و اذا مسه الخیر متوعا آلا المصلین، الذین هم علی صلاتهم دائمون» (۱۳) به راستی انسان آزمند و حریص آفریده شده است، چون گزندى به او روی بیاورد بی‌تابی می‌کند و ناله و اندوه سر می‌دهد و چون خیری به او روی بیاورد آن را به شدت از دیگران باز می‌دارد مگر نمازگزاران، همانان که بر نماز خود مداومت می‌کنند.

حریص و آزمند بودن و بی‌تابی و ممنوع بودن دردهایی است که از طبیعت انسان برخاسته و نشان نقص طبیعی اوست، نماز که از فطرت انسان بر می‌خیزد همه این پیامدهای سوء طبیعی را درمان و اصلاح می‌کند.



لازم است بدانیم که اگر در نماز انسان فرار داده شد آفرینش الهی ناقص باشد، چگونه ممکن است این صفت ناپسند باشد، در صورتی که این صفت تنها وسیله رسیدن انسان به کمال و سعادت واقعی است، انسان اگر برای رسیدن به خیرها حریص نباشد و در برابر رنج‌ها و گزندها بی‌تابی نکند و آه و ناله سر ندهد هرگز نمی‌تواند به سعادت نایل شود.

آن چه در این میان مهم است خیر و شر واقعی است. از این روی خدای سبحان نیروی عقل را در انسان آفریده است تا خوبی‌ها را به وسیله آن بشناسد سپس با نیروی حرص و آز برای دست یابی به آن تلاش کند و بدی‌ها را نیز تشخیص دهد و با نیروی جزع از آن‌ها بگریزد.

از آن جا که خیر واقعی انسان سعادت واقعی او در سرای آخرت است و شر حقیقی او تیره بختی او در جهان آخرت است، انسان خردمند چون مرتکب گناه شود آشفته می‌گردد و به درگاه خدا تضرع می‌کند چون کار نیکی ببیند برای انجام آن تلاش می‌کند و می‌خواهد بیش از دیگران به انجام آن توفیق یابد و چیزی جز حرص او را به هنگام گناه به آشفتنگی و تلاش برای کار نیک و نمی‌دارد.

پس نه تنها این صفت نکوهیده نیست بلکه برای تکامل آدمی ضروری است و برای استفاده صحیح از حرص، انسان نمازگزار آن را با حسن تدبیر در مسیر تکامل خویش به کار می‌گیرد.



و مهربان با سالک صالح است 'واعلموا ان الله مع المتقين' (۳۲) بدانید که خدا با اهل تقوا است. ۳- معیت خاص که قهر است و خدای سبحان به قهار و منتقم با طغیان گران فاسقان و کافران و فجار و بد اندیشان است. در آیه مورد بحث از معیت خاص خدا که همراه با مهر و لطف است سخن می‌گوید و می‌فرماید: خدا با صابران است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله از نیازمند آفریده شدن انسان سخن به میان آمده انسانی که نیازمند آفریده شده است او را وادار می‌کند با دیگران پیوند برقرار کند، اما چون موجودی ممکن است و دارای وجود ربی و در نتیجه نیازمند مطلق است به موجودی تکیه می‌کند که او بی‌نیاز مطلق است. از این رو به خدای سبحان که بی‌نیاز مطلق است تکیه می‌کند و از او استعانت می‌جوید بر این اساس است که خداوند یکی از وظائف مؤمنان را استعانت از خدا به وسیله نماز و صبر می‌داند و از آنها می‌خواهد که از صبر به منظور خودباوری و از نماز به عنوان وسیله نیرو گرفتن از خدای متعال استفاده کنند و در مسیر تکامل در برابر حوادث و مشکلات و رنج‌ها ایستادگی نمایند.

البته صبر و نماز در صورتی معین انسان در مسیر تکامل است که صبر حقیقی بوده و نماز نیز واقعی به گونه‌ای که واقعاً انسان صابر خدا را در معیت خود می‌یابد و نماز را به گونه‌ای برپا می‌دارد که او را از زشتی‌ها باز می‌دارد و این باز داشتن از زشتی‌ها نشانه قبولی نماز است و در پایان به آثار و برکات نماز پرداخته شده است.

پس نوشت‌ها:

۱. سوره قاطر، آیه ۱۵.
۲. سوره مائده، آیه ۲.
۳. سوره بقره، آیه ۱۵۳.
۴. سوره آل عمران، آیه ۱۶۶.
۵. سوره محمد (ص)، آیه ۷.
۶. همان، آیه ۱۴.
۷. سوره نوره، آیه ۱۷۸.
۸. همان.
۹. بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۳۳۱.
۱۰. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.
۱۱. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۰۴.
۱۲. سوره ماعون، آیات ۴ و ۵.
۱۳. سوره معارج، آیات ۱۹-۲۳.
۱۴. همان، آیات ۲۲-۲۵.
۱۵. همان، آیات ۲۶-۲۸.
۱۶. همان، آیات ۲۹-۳۱.
۱۷. همان، آیه ۳۲.
۱۸. همان، آیه ۳۳.
۱۹. همان، آیه ۳۴.
۲۰. همان، آیه ۳۵.
۲۱. سوره حدید، آیه ۴.
۲۲. سوره توبه، آیه ۳۶.

۴- نماز گزار امین است و به عهد و پیمان خود وفا می‌کند 'والذین هم لاماناتهم وعهدهم راعون' (۱۷) و آنان که امانت‌های همدیگر را پاس می‌دارند و بر پیمان خود وفادارند.

۵- نماز گزار، حدوداً و بقائه به حق و عدل شهادت می‌دهد 'والذین هم يشهادتهم قائمون' (۱۸) و آنان که شهادت‌های خود را برپا می‌دارند و در عمل و ادای آن هیچ گونه کوتاهی نمی‌کنند و در آن تغییری نمی‌دهند.

و بالاخره نماز گزارند 'والذین هم علی صلاتهم يحافظون' (۱۹) کسانی که بر نماز خود مراقبت می‌کنند و آداب کمال آن را رعایت می‌کنند و پاداش نماز گزاران راستین نیز بهشت است. اولئك فی جنات مكرمون' (۲۰) آنان در بوستان بهشتی خواهند بود و در آن مورد احترام قرار خواهند گرفت.

معیت خدا با صابران

در پایان آیه خداوند به عنوان برهان قضیه می‌فرماید: 'ان الله مع الصابرين'؛ خداوند در حقیقت با صابران است و این همراهی و معیت، همراهی خاص است و گونه خدا با همه در همه حالات هست. توضیح آن که معیت خدای متعال سه قسم است.

۱- معیت مطلق و آن این که خدا با هر موجودی هست، هر معکم اینما کتیم' (۲۱) او با شماست هر جا که باشید. زیرا خداوند جامع همه کمالات وجودی است از این رو او همه جا حضور دارد و چیزی از او پنهان نیست.

۲- معیت خاص که معیت با لطف و رحمت و مهر است، خدای سبحان به عنوان غفار و رؤوف

آثار نماز و اوصاف نمازگزاران

خدای سبحان در آیات سوره معارج علاوه بر آن که آنان را اهل مداومت بر نماز معرفی می‌کند، اوصاف دیگران را برای آن بر می‌شمارد: ۱- انسان نماز گزار به فکر محرومان و نیازمندان است. زیرا نماز انسان را وا می‌دارد تا در مسائل مالی، اعم از واجب و مستحب به فکر نیازمندان و محرومان باشد 'والذین فی اموالهم حق معلوم للسائل و المحروم' (۲۲) این اهتمام و تأمین مالی مختص به پرداخت زکات واجب نیست بلکه او را وادار می‌کند به آن‌ها توجه ویژه کرده و حق آنان را ادا کند.

۲- انسان نماز گزار به یاد قیامت بوده و از عذاب الهی هراسناک است زیرا می‌داند به هیچکس امان نامه‌ای برای رهایی از عذاب الهی نداده‌اند.

'والذین یدئقون بیوم الدین و الذین هم من عذاب ربهم مشفقون، ان عذاب ربهم غیر مأمون' (۲۵) آنان که روز جزا را تصدیق کرده و تصدیق خود را در عمل نشان می‌دهند و آنان که از عذاب پروردگارشان هراسناکند چرا که می‌دانند کسی را از عذاب پروردگارشان ایمنی نداده‌اند.

۳- نماز گزار انسانی عقیف و پاکدامن است 'والذین هم لفروجهم حافظون الا علی ازواجهم او ما ملکت ایمانهم فانهم غیر ملومین فمن ابغی وراء ذلك فاولئك هم العادون' (۲۶) و آنان که دامن خود را حفظ می‌کنند مگر از همسرانشان یا کنیزانی که مالک آن‌ها شده‌اند که ایشان نکوهش نمی‌شوند.

۳
۵
۳
۷